

علوم اخلاقی و شرعی

چهار رکن اخلاق عبارتند از کرامت انسانی (Human Dignity)، سود رسانی (Beneficence)، ضرر نرسانی (Non Malfeasance) و عدالت (Justice). در بررسی کاربردی اصول اخلاق در پژوهش های علوم پزشکی می توان نگاه ویژه ای به هر یک از این اصالت داشت. از سوی دیگر در ایران، سابقه طولانی در زمینه علوم پزشکی و اخلاق پزشکی از پیش از اسلام تا دوران شکوفائی علوم دانشمندان مسلمان وجود دارد. در این مقاله سعی شده است اصطلاحات و تعاریف رایج در مبحث اخلاق زیستی و اصول شرعی در پژوهش های علوم پزشکی گرد آوری و تشریح گردد و همچنین ویژگیها و اختصاصات هر یک از اصول اخلاقی جداگانه بررسی گردد. در کنار ارکان علم اخلاق باید توجه داشت که، یکی از ویژگی های انسان بر اساس اصول اخلاقی زیستی، داشتن ظرفیت تصمیم گیری است؛ این ویژگی انسانی نیاز به ایجاد فضائی را ایجاد می کند که برای تصمیم گیری مستقل و خود آئینانه و داشتن رضایت کاملاً آگاهانه متناسب باشد. پس برای آماده کردن بستر پژوهشی اخلاق مدار باید به نهاد رضایت نیز توجه ویژه داشت. بررسی ها نشان می دهد که طراحی و اجرای پژوهش هایی با سودرسانی هدفمند و با پرهیز از ضرر رساندن به آزمودنی ها و لحاظ کردن کرامت انسانی ایشان همه و همه در سایه همزیست کردن عقاید اخلاقی متعدد رایج در جوامع با اصول شرعی مورد قبول اکثریت مردم، امکان پذیر خواهد بود.

وظیفه دشوار فقیهان امروز پیراستن فقه از بی اخلاقی هاست. آنان دیگر نمیتوانند فقط به وجوب و حرمت فقهی افعال مکلفان بیاندهند، اندیشه در وجوب و حرمت اخلاقی افعال از آن ضروری تر است. نه هر چه حرمت فقهی دارد حرمت اخلاقی هم دارد (چون خوردن ذبیحه کفار) و نه هر چه وجوب فقهی دارد وجوب وجواز اخلاقی هم دارد (چون وجوب قتل مرتد) و نه هر چه جواز فقهی دارد جواز اخلاقی هم دارد (چون طلاق یکسویه زن به دست مرد). به عبارت دیگر گناهان و نارواهای فقهی لزوماً نارواهای اخلاقی نیستند ولی رخصت های فقهی گاه جزو محرّمات اخلاقی اند و رفع تراحم این دو وظیفه واجب اخلاقی فقیهان دردمند است. فقهی که رخصت به شکسن پیمان میدهد و بهتان های ناموسی و جاسوسی به مخالفان را مشروع میشمارد قطعاً فقهی نامشروع است. پیراستن فقه از این آلودگی ها و بازگرداندن مشروعیت بدان، در گرو گشودن ابواب علم اخلاق به روی علم فقه است و این تازه یکی از هفتاد نقصان علم فقه امروزی است. در متون علم اصول، به علوم مورد نیاز فقیه که میرسند میگویند دانستن ادبیات عرب و منطق و علم اصول از واجبات اصلی است. هیچ جا نمیگویند دانستن علم اخلاق و فلسفه اخلاق هم ضروری است و همین است که فتاوی فقهی چنین بیگانه با اخلاق شده اند. به فقه آموزان باید گفت فقه سیاسی و حکومتی را فرو گذارید و فقه اخلاقی را بردارید که ضروری تر و خدا پسندتر و انسان نوازتر است.